

بسم الله الرحمن الرحيم

جزای دشنام دهنده به پیامبر صلی الله علیه وسلم قتل است



(ترجمه)

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: شخص نابینایی بود و یک ام ولد (کنیزی که برای آرایش بچه زاینده باشد) داشت که رسول الله صلی الله علیه وسلم را دشنام و ناسزا می گفت؛ وی نصیحتش می کرد؛ اما او منع نمی شد؛ یکی از شبها هنگامی که او پیامبر صلی الله علیه وسلم را ناسزا می گفت، شخص نابینا کلنگ یا شمشیر کوچکی را برداشت و بر شکم ام ولدش گذاشت و بر آن فشار داد تا او را کشت و خونس ماحول وی را گرفت و طفل خوردش نیز پیش رویش بود؛ بعد شخص نابینا خود را پنهان کرد. وقتی این خبر به پیامبر صلی الله علیه وسلم رسید، مردم را جمع کرد و از ایشان خواست، هرکی این کار را انجام داده خود را آشکار نماید؛ سپس شخص نابینا از میان مردم بلند شد، نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم نشست و گفت: من صاحب این کنیزک بودم و او شما را دشنام می داد، نصیحتش کردم، منع نشد؛ در حالی که من از وی دو فرزندی داشتم، خیلی دوست داشتنی و رفتار؛ خودش نیز با من خیلی خوب بود؛ یعنی من ازش راضی بودم... اما هنگامی که شما را دشنام داد، من این را تحمل نتوانستم، شمشیر کوچک را در شکم اش فروبردم تا این که کشته شد؛ سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«أَلَا أَشْهَدُوا فَإِنَّ دَمَهَا هَدْرٌ»

(رواه ابوداود و نسائی واحتج به احمد)

ترجمه: بدانید و گواه باشید که خونس هدر است.

امام شوکانی رحمه الله در نیل الاوتار فرموده: در این حدیث دلیل بر این است که کسی پیامبر صلی الله علیه وسلم را دشنام بدهد، باید کشته شود و ابن منذر نیز گفته اگر کسی صریحاً پیامبر صلی الله علیه وسلم را دشنام دهد، قتل وی واجب است.

ابوبکر فارسی یکی از ائمه شافعیه در کتاب الاجماع نقل کرده است: یقیناً اگر کسی پیامبر صلی الله علیه وسلم را دشنام دهد، به سبب آن که آن نوعی قذف صریحی است؛ لذا به اتفاق علماء قذف در شأن پیامبر صلی الله علیه وسلم کفر است؛ حتی اگر توبه کند؛ قتل از وی ساقط نمی شود، زیرا حد قذف قتل است و توبه ساقط نمی شود. خطابی فرموده: اگر مسلمان باشد، هیچ خلافتی در وجوب قتل وی نیست.

اما در مورد دشنام دادن اهل ذمه و معاهد ابن قاسم از مالک نقل می‌کند: ایشان کشته می‌شوند؛ مگر این که اسلام بیاورند. هم‌چنان ابن منذر از لیث، شافعی، احمد، اسحاق و مثله نیز این را نقل کرده است.

و اما نکشتن پیامبر صلی الله علیه وسلم یهودانی را که در مقابل وی السام علیک می‌گفتند، بخاطر آن بود که در آن وقت برای آن‌ها دلیلی برای ممنوعیت این کار ارایه نکرده بود، حجت قائم نشده بود، آن‌ها نیز به این عمل خود ظاهراً اقرار نمی‌کردند و پیامبر صلی الله علیه وسلم مطابق به علم خود بر آن‌ها قضاوت نکرد؛ زیرا گفته شده که آن‌ها این کار خود را ظاهر نکرده و به زبان پیچیده‌گی یا کنار زبان "ولووه بألستهم" تلفظ می‌کردند؛ لذا وی صلی الله علیه وسلم آن‌ها را قتل نکرد. به هر حال، مفکوره کفری که یهودیان بر آن بودند، زشت‌تر و بدتر از الفاظی بود که علیه پیامبر صلی الله علیه وسلم استعمال می‌کردند. چیزی که در آن وقت مانع ریختن خون ایشان گردیده بود، عهد آن‌ها بود که در عهدنامه این موضوع درج و تأیید نشده بود. لذا هرگاه کسی از آن‌ها و غیر آن‌ها مثل: نصاری و بقیه ملل کفر پیامبر صلی الله علیه وسلم را دشنام بدهند، بدون شک خود نوعی تعدی و عهدشکنی می‌باشد که این عهدشکنی و کفر دیگری است که دیگر عهدی در کار نیست و خون‌های ایشان را هدر و قتل ایشان را واجب می‌گرداند.

ای مسلمانان! آنچه از هتک حرمت و بی‌ادبی که کفار امروز علیه پیامبر صلی الله علیه وسلم بر آن اقامه می‌کنند، چیزی جز تنفیذ معاهداتی نیست که خود سران دول کفری اروپا و امریکا آن را به هدف آرامش روحی و کینه‌توزی‌های ضد اسلامی، که گروهک‌های صلیبی ایشان دارند، ساخته و بافته‌اند. این کار زمانی صورت گرفت که آن‌ها متیقن شدند و احساس کردند که اسلام عزیز پرده‌های مکارانه ایشان را دریده تا آنکه بسا کسانی از ایشان اسلام را پذیرفته و مسلمان شدند. می‌دانند که تنها اسلام عزیز یگانه بدیل طبیعی و فطری است که جایگزین عقاید فاسد دموکراسی بوی‌ناک و گندیده و نظام رأسمالی وحشی آن‌ها می‌باشد.

دولت اسلامی که آمدن آن را **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** عنقریب استقبال می‌کنیم، دولتی است که حمل رسالت اسلام را به قوتش بسوی ایشان و تمام عالم و بشکل عملی آن به پیش خواهد برد؛ دولتی است که به زودترین فرصت کسانی را که در شان نبی کریم صلی الله علیه وسلم بی‌ادبی و بی‌حرمتی کنند، تحت تأثیر و قیمومیت خود درخواهد آورد.

﴿وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾

[شعراء: 227]

ترجمه: و کسانی که ستم می‌کنند، زود خواهند دانست که بازگشت‌شان به کجا و سرنوشت‌شان چگونه شد!

والسلام علی من اتبع الهدی